

مراد اورنگ

نور علی خدایه برزه مل (Mell)

« نور علی خداست ای گردن فراز »



با چندتن از دوستان در مجلسی نشسته بودیم . یکی از آنان کتاب برهان الحق را همراه داشت . با دیدن این کتاب سخن از اهل حق و مکتب مرحوم نور علی الهی به میان آمد . صاحب کتاب رشته سخن را به دست گرفت گفت ، نور علی الهی خواست با نوشتن این کتاب میان آئین اهل حق و اسلام رابطه ای برقرار سازد . این بود که در کتابش آئین اهل حق را بر پایه اسلام قرارداد . یعنی پیروان اهل حق را مسلمان خواند و مریدانش را هم در درجه

اول به حفظ اصول تعالیم اسلامی تشویق کرد و در ضمن آن دستورهای آئین یارسان را هم تعلیم داد . اما اکثریت اهل حق نوشته‌های او را نادرست خواندند و به مخالفت برخاستند . پس از درگذشت نورعلی الهی ، اداره کردن مکتب او بدست فرزند جوانش آقای دکتر بهرام الهی افتاد . آقای دکتر بهرام الهی آدم خوش برخورد و مهربانست . تنبور هم میزند . مکتب پدرش را خوب اداره کرده . بیشتر مریدانش از جوانان مسلمان هستند .

این گروه از جوانان (پسر و دختر) حقیقه از روی عشق و علاقه به دین ، وارد این مکتب شده‌اند و بر حسب دستور آقای دکتر ، اصول تعالیم اسلامی را رعایت می‌کنند و دستورهای اهل حق را هم بعنوان شاخه‌ای از عرفان اسلامی یاد می‌گیرند . رو بهمرفته برنامه ایشان برنامه یکنفر پیشوای مسلمان است . اما با این حال همه کس نمی‌تواند در مجالس رسمی این مکتب داخل شود . باید مراحل مقدماتی را طی کند و سر بسپارد تا بتواند در شمار اهل حق درآید و به مجالس دینی داخل شود و از رازهای مخصوص بهره‌مند گردد .

سؤال شد آیا این دکتر که جای یکنفر پیشوای اسلامی را گرفته ، از تفسیر قرآن و احادیث و اخبار و فقه و اصول اطلاعاتی دارد ؟
دارنده کتاب پاسخ داد ایشان پزشک جراح هستند و از علوم قرآن و احادیث و اخبار و فقه و اصول اطلاعاتی ندارند ، ولی کردی میدانند و می‌توانند سرودهای دینی کردی آئین اهلا حق را بیان کنند .

یکی از دوستان که از کردهای اهل حق بود گفت ایشان کردی کرمانشاهی را میدانند ، ولی با سرودهای دینی ما که بزبان کردی اورامی است آشنا نیستند و حتی خود کلامها را نمی‌توانند درست بخوانند چه رسد به

درک رازهای نهفته در آنها .

چون سخن به اینجا رسید ، بعضی از دوستان گفتند پس معلوم میشود دکان است و حق این است که از طرف دولت این دکان بسته شود تا جوانان پاکدل را گمراه نکنند .

پس از این گفت و گوها کتاب را ورق زدند ، صفحه ۶۳۸ باز شد ، قسمت آخر صفحه مورد توجه و تعجب واقع گردید . زیرا نشان میداد وقتی که در جمخانه یعنی در مجلس رسمی دینی با آهنگ نواختن تنبور و خواندن سرودهای دلنشین دینی ، حاضرین حال جذبه پیدا می کرده اند ، همگی با مرحوم نورعلی الهی هماهنگ شده این جملات را به زبان می آورده اند :
جم جم شایه برزه مل . علی خدایه برزه مل . نعمت خدایه برزه مل .

مفهوم جمله های یاد شده چنین میباشد : این جمع ، جمع شاه است ای گردن فراز . علی خداست ای گردن فراز . نعمت الله پدر نورعلی خداست ای گردن فراز . ضمناً کلمه شاه در اینجا اشاره به سلطان اسحاق است که مظهر خدا دانسته شده .

پس از آنکه اهل مجلس همگی جملات فوق را همراه با مرشد میخوانده اند ، مریدان با حال جذبه پا را فراتر گذاشته می گفته اند : نورعلی خدایه برزه مل .
بعد از آنکه مطالب قسمت آخر صفحه ۶۳۸ بشرح فرق مطالعه گردید ؛ گفته شد قاعدتاً باید پیروان این مکتب در حال حاضر آقای دکتر بهرام الهی را خدا بخوانند و در حال جذبه بگویند : دکتر خدایه برزه مل ، بهرام خدایه برزه مل .

اظهار عقیده کردند چه خوبست آقای دکتر با داشتن شغل شریف پزشکی

زیر بار اینچنین خدائی نروند و از این پیشوائی سست پایه و نافر جام که با تعالیم اسلام و آئین یارسان سازش ندارد بگذرند و به شغل شریف خود که بهترین راه خدمت به بندگان خدا میباشد پردازند و یا اینکه مانند سایر پیشوایان اهل حق رفتار کنند که بدون تظاهر به اسلام عقیدهٔ خود را میگویند و از لحاظ حقیقت گویی هم مورد احترام مسلمانان میباشند.

اما موضوع خدا دانستن حضرت علی و پیشوایان اهل حق، از نظر پیروان آئین یارسان ایرادی ندارد؛ زیرا آنان برابر عقیدهٔ مذهبی خودشان علی علیه السلام و بزرگان دین خود را مظهر خدا میدانند و آنانرا بنام خدا یاد می کنند، ولی این عقیده از نظر اسلام کفر و مردود است.

گفت و گوی دوستان در بارهٔ موضوع مورد بحث نزدیک بود به پایان برسد. در این اثناء یکی از آنان خطاب به سایرین کرد و گفت: توجه فرمائید صفحه ۶۵۴ برهان الحق را بخوانم. اینجاست مطلب تازه‌ئی به نظر میرسد.

مطالب صفحهٔ نامبرده را خواندند. ماهم گوش دادیم. بصورت سؤالی است از طرف یکنفر در بارهٔ وجه تسمیهٔ کلمات «نور علی الهی» که مرحوم مغفور به او جواب داده است. *رنال جامع علوم انسانی* اینک پرسش و پاسخ:

سؤال ۳۶۶ - بر حسب وعده‌ای که حضوراً داده بودید خواهشمند است وجه تسمیه کلمات «نور علی الهی» را مرقوم فرمائید که برسم یادگار درخاندان ما بماند.

جواب: قبلاً لازم به تذکر است تصور نفرمائید که منظور اسم خودم (نور علی است)، زیرا بنده پست‌ترین مخلوقات و اسم بی‌مسمی هستم. بلکه

بموجب خوابی که دیده شده ، هر يك از كلمات آن منطبق با مفاد آیه قرآنی ذیل الذکر است از سوی حق بآن خاندان اعطاء گردیده ، انشاء الله مؤبدا باقی بماند :

۱ - نور : یعنی « الله نور السموات والارض » (سوره ۲۴ - آیه ۳۵)

۲ - علی : یعنی « وان الله هو العلی الكبير » (سوره ۳۱ - آیه ۳۰)

۳ - الهی : « الله لا اله الا هو الحی القيوم » (سوره ۲ - آیه ۲۵۵)

از پاسخی که مرحوم نور علی الهی به پرسش کننده داده دو نتیجه به دست می آید: یکی اینکه با کمال عجز و انکسار اعتراف کرده که پست ترین مخلوقات و اسم بی مسمی میباشد . این اعتراف همراه با خضوع گویا برای این باشد که خودش میدانسته کتابش از لحاظ برهان حق بودن و آئین یارسان را نشان دادن پایه درستی ندارد و از لحاظ برهم زدن آن آئین و همبستگی دادن آن با اسلام راه صحیحی نرفته است .

این اعتراف و عجز و انکسار در حقیقت روی به درگاه خدا آوردن و طلب آموزش کردن است .

دوم اینکه وجه تسمیه نور علی الهی در خواب با آیات قرآن تطبیق داده شده . اما وجه تسمیه و معنی و مفهوم نام و نام خانوادگی ایشان بخوبی معلوم است و از راه خواب دیدن نمی توان آنرا با آیات قرآن تطبیق داد . زیرا روزی که از مادر متولد شده اند ، پدرشان از لحاظ دوست داشتن حضرت علی (ع) ایشان را بنام نور علی نامگذاری کرده اند . بنا بر این ، واژه نور در جلو نام ایشان نمی تواند نامردار کلمه مبارکه نور در آیه : الله نور السموات والارض باشد که در وصف خدای متعال است .

واژه الهی هم نام خانوادگی است که خوشان در موقع شناسنامه گرفتن انتخاب کرده اند و معنی آن خدائی یا وابسته به خدا بودن است و تطبیق دادن آن با آیه شریفه: *الله لا اله الا هو الحی القیوم* که در وصف آفریننده کل می باشد کفری است آشکار.

خوبست این را هم بگوئیم که برابر حدیث نبوی صلوات الله وسلامه علیه خواب بردو نوع است. یکی رؤیای صالحه که از سوی خدا میباشد. دیگری رؤیای سوء که وسوسه شیطان است. رؤیای صالحه بی گمان خیر است و صلاح و راهنمایی به سوی سعادت. رؤیای سوء حاکی از پیش آمدهای بد و از راه وسوسه شیطان گرفتار غرور و خودخواهی شدن و به سوی گمراهی رفتن است. با آنچه گفته شد، داوری درباره نوع رؤیای مرحوم نور علی الهی برای تطبیق دادن معنی و مفهوم واژه های نام و نام خانوادگی ایشان با آیات قرآن که در وصف حق تعالی میباشد، بسته به عقیده صاحب نظران است.

اهل حق نماز نمیخوانند. بجای نماز نیاز دارند. نیاز عبارت از نذر هائی است که به جمعخانه (جمعخانه) می برند و در آنجا که مجلس دینی است، با تشریفات مخصوص و خواندن ذکر و دعا بین حاضرین تقسیم و مصرف می شود. وقتی که جمع منعقد شد، خادم آفتابه لگن برای دست شستن اهل جمع می آورد. آفتابه را به دست راست و لگن را به دست چپ می گیرد. با گفتن ذکر: «اول و آخر یار» رسمیت جمع را اعلام می کند. سپس قطره ای از آب آفتابه را به لگن میریزد. با همان حالت به سجده میرود و بلند میشود. با حالت رکوع، اول دست سید دعا خواننده را می شوید، بعد از آن از طرف راست او شستن دست دیگران را تا آخر ادامه میدهد. اهل جمع نیز لبه لگن

را با اشاره دست می بوسند و دستها را بوسیله آبی که از آفتابه ریخته میشود می شویند و باز هم لبه لگن را با اشاره دست می بوسند و بار طوبت دست و خواندن همان ذکر (اول و آخر یار) صورت را مسح می کنند .

در صفحه ۲۱۰ برهان الحق برای مطابقت دادن آن با وضو و تیمم در

اسلام ، دو آیه از قرآن مجید بشرح زیر یاد شده است :

در قرآن مجید (سوره ۵ - آیه ۶) میفرماید : « یا ایها الذین آمنوا اذا

قمتم الی الصلوة فاغسلو وجوهکم و ایدیکم الی المرافق و امسحوا برؤسکم و

أرجلکم الی الکعبین . . . الایه » یعنی « ای آنانکه ایمان آوردید ، وقتی که

برخواستید بسوی نماز بشوئید رویها و دستهای خود را تا آرنجها و بمالید سرها

و پایهای خود را تا دوقاپ پا . . . »

مضافاً در (سوره ۴ - آیه ۴۳) ، قسمت اخیر آیه ، راجع به تیمم میفرماید

« فتیمموا صعیداً طیباً فامسحوا بوجوهکم . . . الایه » یعنی « پس تیمم کنید بخاک

پاکیزه و بکشید به رویهای خود . . . »

این بنده برای تطبیق دو آیه فوق الذکر با دست شستن اهل حق و کف

راست را به صورت کشیدن آتان هیچگونه نشانی نمی بینم و اینک داوری را به صاحب

نظران واگذار می کنم .

چه خوبست درباره این بحث اظهار نظرها و ایراد و انتقادهائی برسد تا

پاسخ داده شود و دامنه این مسئله در خور پژوهش گسترش باید و رازهایی از

پشت پرده بیرون آید .